****

[فروض مساله: 1](#_Toc498219102)

[فرض اول: ملاقات با غیر بدن حیوان 1](#_Toc498219103)

[فرض دوم: ملاقات با بدن حیوان 2](#_Toc498219104)

[الف. قول به عدم تنجس بدن حیوان 2](#_Toc498219105)

[ب. قول به تنجس بدن حیوان 3](#_Toc498219106)

[فرض اول: خشک بودن ملاقی 3](#_Toc498219107)

[فرض دوم: مرطوب بودن ملاقی 3](#_Toc498219108)

**موضوع**: فروع اصل مثبت /تنبیه هفتم /استصحاب

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در اولین فرع و ثمره اصل مثبت بود که در کلام مرحوم خویی ذکر شده بود.

بحث در این بود که آیا استصحاب رطوبت برای اثبات نجاست ملاقی، از قبیل موارد اصل مثبت است یا نه؟[[1]](#footnote-1)

###### فروض مساله:

مرحوم خویی تفصیل داده اند و دو صورت را مطرح فرموده اند: الف. شیء ملاقا، غیر حیوان باشد، مثل فرش

ب. شیء ملاقا، حیوان باشد.[[2]](#footnote-2)

فرض اول: ملاقات با غیر بدن حیوان

بحث از صورت اول گذشت و بیان شد که اصل مثبت بودن این استصحاب، بستگی به این دارد که موضوع نجاست ملاقی را مرکب (ملاقات با نجس و وجود رطوبت) بدانیم یا بسیط. اگر موضوع مرکب باشد، مشکل اصل مثبت وجود ندارد و اگر بسیط باشد، این مشکل وجود دارد.

فرض دوم: ملاقات با بدن حیوان

اما در مورد ملاقات با حیوانی که سابقا نجس بوده است و مثلا دستمان با آن برخورد کرده است، بحث از جریان استصحاب به جهت اثبات نجاست ملاقی، دارای فروضی است؛ چرا که ممکن است در مورد تنجس بدن حیوان، یکی از این دو قول را انتخاب کنیم:

الف. بدن حیوانات با ملاقات با نجاست، نجس نمی شود.

ب. بدن حیوانات به وسیله ملاقات با نجاست، نجس می شود، لکن این نجاست به وسیله زوال عین نجاست یا خشک شدن آن، تطهیر می شود.

حال طبق هر دو فرض، مساله را بررسی می کنیم:

الف. قول به عدم تنجس بدن حیوان

طبق مسلک عدم تنجسِ بدن حیوان، در هنگام شک در بقاء رطوبت بر بدن حیوان (مثل جایی که بدن حیوان با خمر یا بول نجس شده است.) یا شک در بقاء عین نجاست بر بدن حیوان (مثل شک در بقاء عین خون بر بدن حیوان)، استصحاب بقاء نجاست یا بقاء رطوبت، جهت اثبات نجاست ملاقی، از قبیل اصل مثبت بوده و بلکه از اوضح موارد اصل مثبت است.

این استصحاب صرفا وجود نجاست را بر بدن حیوان اثبات می کند (کان تامه)، ولی اثبات نمی کند که ملاقات با نجس (کان ناقصه) محقق شده است.

برای اثبات مفاد کان ناقصه به وسیله استصحاب مفاد کان تامه (که از موارد اصل مثبت است) می توان مثال های دیگری هم ذکر کرد. مثلا:

الف. فرض کنید که در روی موضعی از فرش، مقداری خون ریخته باشد یا موش مرده ای افتاده است و بعد از گذشت زمانی، دستمان با آن موضع فرش برخورد کند، ولی شک کنیم که آیا در لحظه ملاقات، نجاست در آن جا باقی بوده است یا نه؟ در چنین موردی استصحاب بقاء نجاست روی موضع (مفاد کان تامه)، اثبات عنوانِ ملاقات با نجس (مفاد کان ناقصه) را نمی کند.

ب. فرض کنید یک گونی آرد، قبلا مشتمل بر فضله موش بوده است، و نانوا همان کیسه را برای خمیر کردن و پختن نان استفاده کرده است. در هنگام انتقال کیسه به محل خمیر کردن، مقداری از آردها روی زمین ریخته است. حال شک می کنیم که آیا فضله موش، به همراه این مقدار آرد، بیرون افتاده است یا نه؟ در این جا استصحاب بقاء فضله موش (مفاد کان تامه) اثبات نمی کند که این نان ها و تنور نجس است.

در صورتی که این مثال دوم را به شکل زیر تغییر دهیم، استصحاب جاری است:

قسمتی از آردها قبلا نجس بوده است و به خاطر شک در تطهیر آردها، شک در نجاست نان و خمیر می کنیم. در اینجا استصحاب بقاء نجاست، نجاست نان و خمیر را اثبات می کند و از قبیل اثبات مفاد کان ناقصه به وسیله کان تامه نیست.

ج. قبلا در این حوض، آب کرّ وجود داشته است و از طرفی هم نمی دانیم که این آب کنونی همان آب است یا نه. در این جا با شک در بقای کریت، استصحاب وجود کرّ جاری می شود، ولی اثبات نمی شود که این آب، کرّ است و از قبیل اثبات مفاد کان ناقصه به وسیله مفاد کان تامه است.

تذکر: بنا بر قول به عدم تنجس بدن حیوانات، استصحاب بقاء نجاست برای اثبات نجاست ملاقی، از قبیل اصل مثبت خواهد بود، حتی در فرض قول به بسیط بودن موضوع نجاست ملاقی.

ب. قول به تنجس بدن حیوان

در صورت قول به تنجس بدن حیوانات در اثر ملاقات با نجاست، جریان استصحاب را در دو فرض باید بررسی کرد:

فرض اول: خشک بودن ملاقی

اگر قائل به تنجس بدن حیوان شدیم و ملاقی خشکی با بدن حیوان برخورد کرد و به خاطر شک در وجود رطوبت در بدن حیوان، شک در نجاست ملاقی کردیم، جریان استصحاب رطوبت مبتنی بر این است که موضوع نجاست ملاقی، مرکب است یا بسیط. اگر موضوع بسیط باشد، استصحاب بقاء رطوبت برای اثبات عنوان بسیط (سرایت) از قبیل اصل مثبت است و اگر موضوع مرکب باشد (ملاقات با نجس و وجود رطوبت) استصحاب بقاء رطوبت، به جهت اثبات نجاست ملاقی، از قبیل اصل مثبت نیست؛ چرا که یک جزء را بالوجدان احراز کرده ایم و جزء دیگر را با تعبد.

فرض دوم: مرطوب بودن ملاقی

اگر قائل به تنجس بدن حیوان شدیم و ملاقی مرطوبی با بدن حیوان برخورد کرد و به خاطر شک در بقاء نجاست بدن حیوان، شک در نجاست ملاقی کنیم استصحاب نجاست بدن حیوان برای اثبات نجاست ملاقی، از قبیل اصل مثبت نمی باشد. استصحاب می گوید هنوز هم حیوان نجس است و لذا اثبات نجاست ملاقی را می کند. باید توجه داشت که در این جا استصحاب مفاد کان تامه (اصل وجود نجاست) جاری نشده است.

این مورد مثل همان مورد شک در نجاست عبا است که در موردش استصحاب نجاست جاری می شد و نجاست ملاقی، اثبات می شد.

1. در تقریر این جلسه، از بیانات استاد بعد از کلاس درس نیز استفاده شده است. مقرّر [↑](#footnote-ref-1)
2. [موسوعة الامام الخویی، ابوالقاسم خویی، ج48، ص193.](http://lib.eshia.ir/71334/48/193/الفرع) [↑](#footnote-ref-2)